

جلوه‌های سیمای امام رضا(ع) در برخی آیین‌های نمادین و ادب عامه

خلیل بیگزاده*^۱ نادر پروین^۲

(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱، تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۱)

چکیده

فرهنگ و ادبیات آیینی ایران ریشه در اعتقادات دینی و پیوند عمیق عاطفی با معصومین، به‌خصوص امام رضا(ع)، دارد و از این آبشخورهای ارزشمند و متعالی بهره‌مند شده است. تحلیل و تبیین آیین‌های نمادین و ادبیات آیینی رضوی عامه، علاوه بر تبیین پیوندهای آن با فرهنگ رضوی و شخصیت امام رضا(ع)، معتقدات و باورهای ما را نیز غنا و گسترش می‌دهد. آیین‌های نمادین و ادبیات عامه رضوی و کارکرد و برآیند آن، مانند توسل‌جویی، هویت‌بخشی، انسجام‌یابی، همبستگی، کاستن از روزمرگی، ایجاد امید و شادی در میان نسل معاصر از نظر مؤلفه‌های تربیتی و ایجاد خودباوری بسیار مهم است؛ زیرا این کارکردها و آثار آن در تعمیم درک بهتر آموزه‌های دینی و گسترش آن در میان نسل‌های جوان، نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کنند. این پژوهش برخی آیین‌های نمادین رضوی از جمله چاووشی‌خوانی، نصب علم، بستن شال و روسری، نذورات، جاسبزی، سوغاتی‌های زیارتی، دخیل‌بستن به پنجره فولاد، آب‌نوشی از سقاخانه اسماعیل طلایی، گنبدنمای

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول)

*kbaygzade@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی

رضوی و مؤدگانی، و نیز ادبیات آیینی رضوی عامه مانند لالایی، مولودی خوانی، نوحه خوانی، کارآوا و ماشین‌نگاره‌های مردمی را که متأثر از فرهنگ رضوی هستند، با رویکردی توصیفی - تحلیلی بررسی و تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که شخصیت امام رضا^(ع) با ویژگی‌های برجسته‌ای در فرهنگ و ادبیات عامه ایرانی متجلی شده و آن را آیینی کرده است.

واژه‌های کلیدی: آیین‌های نمادین، ادب آیینی، ادب عامه، امام رضا ^(ع)، فرهنگ رضوی، فرهنگ عامه.

۱. مقدمه

هویت فرهنگی و ادبی هر قوم و ملتی به صورتی کاملاً درهم‌تنیده با گذشته و میراث گذشتگان گره خورده است. یکی از مؤلفه‌های اثرگذار بر هویت فرهنگی و ادبی ایرانیان دین و دین‌مداری است (احمدی، ۱۳۸۳: ۸۰). مناسک و آیین‌های نمادین دینی، انسان را از روزمرگی مادی نجات می‌دهد و سبب افزایش عطف و همدردی و تحول و تغییر مثبت و اخلاقانه میان افراد جامعه می‌شود و در جمع‌گرایی و وحدت اجتماعی نیز نقش مهمی دارد (مسکوب، ۱۳۷۳: ۵۶). نماد و آیین در نزد بسیاری از اندیشمندان پیوند تنگاتنگی با هم دارند؛ چنان‌که دورکهایم و پیروانش آیین‌ها را بخشی از نظام گسترده‌ای می‌دانند که جنبه‌های پویای نظام نمادین به‌شمار می‌آیند (ساروخانی، ۱۳۶۷: ۲۳۱). ادبیات شفاهی هر قوم و ملتی بخش عظیمی از فرهنگ معنوی آن ملت است که سینه‌به‌سینه از نسل‌های قدیم تا به امروز منتقل شده و در گذر زمان حافظ هویت فرهنگی ملت‌ها بوده است (بختیاری، ۱۳۸۸، ۳۵). فولکلور که در لغت به معنی دانش مردم است، زندگی‌نامه هر ملت و بازتاب زندگی فرهنگی - اجتماعی، شیوه کار و تولید، سیر تحولات فکری و رفتار، منش، مذهب و اعتقادات آنان است.

فرهنگ و ادب عامه معاصر ایران از نظر تنوع موضوعی و ساختاری به انواعی قابل تقسیم است و یکی از این انواع، آیین‌های نمادین و ادب عامه است. مناسک و آیین‌های نمادین رضوی در فرهنگ و ادب آیینی عامه از گذشته تاکنون در ایران بازتاب ویژه‌ای یافته است (محجوب، ۱۳۸۹: ۱۰۰) و بخشی از آن، بازتاب سیره و سیمای امام رضا^(ع) است که نیازمند پژوهش‌هایی از زوایای گوناگون است. یکی از روش‌های

جلوه‌های سیمای امام رضا^(ع) در برخی آیین‌های نمادین و ادب عامه _____ خلیل بیگ‌زاده و همکار

پژوهش تحلیل محتواست که محتوای متن را با رویکردی روشمند و دقیق برای استنباط علمی بررسی می‌کند «تا به دانش پژوهان امکان دهد که از پژوهش‌های مختلف به نتایج یکسان دست یابند» (طالقانی، ۱۳۹۰: ۹۵-۹۶). بنابراین، پژوهش حاضر برخی آیین‌های نمادین و ادب آیینی عامه معاصر را با موضوع سیره و سیمای امام رضا^(ع) به روش توصیفی-تحلیلی (تحلیل محتوا) بررسی می‌کند تا به این پرسش که سیره و سیمای امام رضا^(ع) چگونه در فرهنگ و ادبیات آیینی عامه در عصر حاضر بازتاب یافته است؟ پاسخی درخور دهد.

۲. پیشینه پژوهش

آثار مختلفی در موضوع فرهنگ و ادب عامه وجود دارد که ذکر آن‌ها در این مقاله چندان ضروری نیست؛ اما پژوهش‌هایی با موضوع بازنمایی سیمای امام رضا^(ع) در فرهنگ و ادب عامه انجام شده که بدین شرح‌اند:

۱. اکرامی‌فر، محمود (۱۳۸۸). «امام رضا^(ع) در ادبیات شفاهی خراسان». *جام‌جم آنلاین*. این مقاله به بازنمایی سیمای امام رضا^(ع) در ادبیات شفاهی منطقه خراسان می‌پردازد؛

۲. مجللی، اسماعیل (۱۳۸۸). «تأثیر حضور امام رضا بر فرهنگ و هنر ایرانی». *وبلاگ فرهنگ همیشه‌ماندگار*. در موضوع کارکرد سیمای امام رضا^(ع) بر فرهنگ عمومی، مذهبی، برخی آیین‌های نمایشی و برخی آثار هنری؛

۳. رحمتی، حسین (۱۳۸۸). «حج فقرا، مروری بر آداب سفر زیارتی امام رضا^(ع) از منظر فرهنگ مردم». *فرهنگ مردم ایران*. در موضوع چگونگی سفر زیارتی به حرم امام رضا^(ع) و برخی آیین‌های آن؛

۴. ماکویی، سوپل (۱۳۸۹). «بازنمایی جایگاه حضرت امام رضا^(ع) در فرهنگ مردم ایران». *فرهنگ مردم ایران*. در موضوع بررسی و تحلیل برخی آیین‌ها و نمادهای رضوی مانند چاووشی خوانی، نصب علم، سوغاتی و ...

۵. کهن‌دل، زهره (۱۳۹۰). «آیین‌های حرم رضوی». *تبیان*. در موضوع چگونگی انجام برخی آیین‌های امروزی در حرم امام رضا^(ع).

تاکنون پژوهشی در موضوع بازنمایی سیره و سیمای امام رضا^(ع) در آیین‌های نمادین و ادب عامه معاصر با این روش و رویکرد انجام نشده است.

۳. چارچوب نظری

این پژوهش برخی آیین‌های نمادین فرهنگ عامه را که به بازنمایی سیمای امام رضا^(ع) پرداخته‌اند، بررسی و تبیین کرده است. اگرچه برخی از این آیین‌ها به نوعی در موضوع هم‌پوشانی دارند؛ اما از نظر ساختاری در دو گونه دسته‌بندی شده‌اند. همچنین در بخش پایانی دو نماد مهم و مشهور- که سیمای رضوی را بیشتر در ذهن تداعی می‌کنند- به اختصار ذکر شده است.

۳-۱. برخی آیین‌های نمادین زیارتی

عزیمت به مشهد مقدس به قصد زیارت بارگاه امام رضا^(ع) از گذشته تاکنون با آیین‌ها، آداب و مناسک گوناگون ویژه‌ای انجام می‌شده است که دلایل سفر، شیوه‌های آمادگی برای عزیمت، شیوه‌های اطلاع‌رسانی برای عزیمت و زیارت، وظایف خانواده پس از عزیمت مسافر و چگونگی استقبال از زائران از جمله آیین‌های نمادین و مناسک ویژه‌ای است که همسان یا ناهمسان در مناطق گوناگون ایران انجام می‌شده و در فرهنگ عامه بازتاب گسترده‌ای یافته است.

معنای عام زیارت «سفر به اماکن مقدس به قصد کسب فضیلت معنوی، استغفار یا شکرگزاری» (برنز، ۱۳۸۵: ۴۲) است. زیارت بارگاه امام رضا^(ع) نیز در میان مردم ایران علاوه بر ویژگی‌های عام زیارت، واجد مؤلفه‌های دیگری نیز هست که قصد تیمن و تبرک، توسل‌جستن، پناه‌گرفتن، یاری‌خواستن، کسب احترام، اعتبار و جایگاه اجتماعی و ... از جمله آن‌هاست.

سفر به مشهد مقدس و زیارت بارگاه امام رضا^(ع) همچون هر سفر زیارتی، آیین‌ها و مناسک خاصی در آغاز سفر، حین سفر، اقامت در زیارتگاه و بازگشت دارد (همانجا) که در فرهنگ عامه بازتاب یافته است:

جلوه‌های سیمای امام رضا^(ع) در برخی آیین‌های نمادین و ادب عامه _____ خلیل بیگ‌زاده و همکار

۳-۱-۱. نقطه آغازین سفر

گرایش به سفر را باید در انگیزه و دلایل سفر جست. سفر زیارتی انگیزه‌های مختلفی دارد، چنان‌که زائر نخست قصد ادای یک فضیلت را دارد و در قبال باورداشت‌های معنوی‌اش قدمی برمی‌دارد و عملی را انجام می‌دهد؛ زیرا نیت حرکت به اماکن مذهبی بیانگر ایجاد قربت میان محب و محبوب است. مؤمن در زیارتگاه خود را به آن «نور قدسی» نزدیک می‌بیند و برای رسیدن به زیارتگاه بی‌تابی و شور ویژه‌ای دارد؛ بنابراین زائر قصد خود را برای زیارت بارگاه امام رضا^(ع) با استفاده از آیین‌های نمادین نشان می‌دهد و مردم با دیدن و شنیدن خبر نیت زیارت، متوجه سفر زیارتی خویشان، دوستان و همسایگان می‌شوند.

چاووشی خوانی، نصب علم، بستن شال گردن در مردان، بستن شال و روسری سفید از روی چادر برای بانوان و دعوت خویشان و آشنایان، آیین‌های ویژه بارگاه رضوی، آیین‌های جاسبزی، آیین سوغاتی‌های زیارتی، نذورات، دخیل‌بستن به پنجره‌فولاد، آب‌نوشی از سقاخانه اسماعیل طلابی، گنبدنمای رضوی و مژدگانی‌دادن یا مژدگانی‌گرفتن، از آیین‌های زیارتی بارگاه امام رضا^(ع) است که همگی در فرهنگ عامه تجلی یافته‌اند.

۳-۱-۲. چاووشی خوانی

چاووش واژه‌ای ترکی و به معنای جارچی، پیک و پیشرو کاروان است و چاووش‌خوان فردی است که مردم را به زیارت، تحریک و تحریض می‌کرد (دهخدا، ذیل «چاووش»). این فرد ظاهری خاص داشت؛ کلاه سه‌گوش سبزرنگ بر سر می‌گذاشت و با کشکول و تبرزین در کوچه‌ها راه می‌رفت و چاووشی می‌خواند (برنجیان، ۱۳۸۵: ۱۴۳). اشعار چاووشی بیشتر در فضیلت‌های زیارت بود (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۲۳۴) و گاهی رفتن به پابوس امام رضا^(ع) چنان سوزناک در این اشعار تصویر می‌شد که هر فردی با شنیدن آن آرزوی زیارت می‌کرد. درون‌مایه این اشعار نوعی ترغیب برای بازگشت «به خویشتن خویش»، «جست‌وجوی گمشده»، «یافتن آن دگر قدسی» و «پیوند با نور الهی» بود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۲: ۲۱۱). معصومین در فرهنگ تشیع بر اساس قاعده «لطف» بر مردم وارد شده‌اند

(ولوی، ۱۳۸۸: ۲۲۰) و این قاعده برای کسانی که قصد زیارت دارند، انگیزه‌ای مضاعف ایجاد می‌کند. این مفهوم در چاووشی‌ها آمده و از معصومین استمداد خواسته شده است:

اول به مدینه مصطفی را صلوات دوم به نجف شیر خدا را صلوات
سوم در کربلا به شمر ملعون لعنت چارم به طوس شه رضا را صلوات

(اکرامی‌فر، ۱۳۸۸: ۱۳)

این سروده پیوند درونی و معنوی چاووشی‌سرای و چاووشی‌خوان را با معصومین^(ع) برقرار کرده است، چنان‌که اول بر حضرت ختمی مرتبت و رحمت، دوم بر شیر خدا امام علی و امام رضا^(ع) صلوات و درود فرستاده، و نیز شمر لعین را لعن کرده است. این امر نشان می‌دهد، گوینده این سروده را با هدف تولی و تبری تنظیم کرده تا علاوه بر اعلام پیوند دوستی با معصومین^(ع)، از دشمنان ایشان نیز دوری جسته باشد. چاووشی‌سرای این مفهوم را با شگردهای گوناگون بیانی و شاعرانه بازآفرینی می‌کند:

مو کفتر سوز (سبز) و رهوا خواهم کرد رو ورمشد امام رضا خواهم کرد
جایی که محمد و علی بنشین مو شکوه ز یار بی‌وفا خواهم کرد

(همانجا)

مفهوم غربت از دیار و وطن در اشعار چاووشی بسامد بالایی دارد که ریشه در غربت امام رضا^(ع) و دوری زائر از بارگاه حضرت دارد. این نوستالژی و غم غربت انسان رازآشنا را بیدار می‌کند و حزن این جدایی با هم‌ذات‌پنداری در او ایجاد می‌شود. مفهوم غربت زائر به سبب غربت امام رضا^(ع) آفریده شده است. زائر با نزدیک شدن به بارگاه امام^(ع)، با «خویشتن خویش» همدردی کرده، دل‌گویه می‌خواند و سبکبال می‌شود:

تویی که در دو جهان ضامن «غریبانی» که هم «غریبی» و درد «غریب» می‌دانی
تویی غریب، تویی بی‌کس، تویی تنها تویی غریب خراسان، تویی امام رضا

(ماکویی، ۱۳۸۹: ۱۱)

غربت زائر در این چاووشی به رضایت و آرامش ختم می‌شود؛ زیرا امام رضا^(ع) خود غریب است و درد غریبان را می‌داند و چون «رضا»ست، می‌داند چگونه این غم غربت را تسکین دهد. غریبی حتی در فضایی ایده‌آل و مناسب باز هم غریبی است و

جلوه‌های سیمای امام رضا^(ع) در برخی آیین‌های نمادین و ادب عامه _____ خلیل بیگ‌زاده و همکار

دل‌تنگی‌های خاصی دارد، چنان‌که یاد و خاطره وطن مألوف پیوسته در ذهن غریب در غربت زنده است و غریب چون بیماری است که بیماری غربت تنها دمساز او در شب است:

غریب گر چه به غربت رضا دلکش است از توس تا به مدینه هزارها فرسنگ است
غریب گر چه به غربت میان چمن است همین که شام می‌شود ذکر آن غریب وطن است
غریب گر چه به غربت گلزار است همین که شام شود آن غریب بیمار است
(شوبکلائی، ۱۳۸۸: ۲۶)

برخی اشعار، نهایت علاقه و شیفتگی زائر را به بارگاه قدسی حضرت نشان می‌دهد و هیچ هدیه‌ای جز نثار جان و تن در قبال کرم، دهش و بزرگی حضرت رضا^(ع) نمی‌تواند عشق و دل‌بستگی زائر را به تصویر بکشد؛ زائری که حتی کبوتران حرم حامی او هستند و بلای‌های او را یک‌به‌یک برمی‌چینند. همچون دانه‌ای که زائر نذر کرده و به کبوتران حرم می‌دهد، یک‌یک بلاهایش را از او دور می‌کنند:

یا شاه رضا جان به فدای کرمت قربان کبوتران دور حرمت
با دانه بلای زائران می‌چینند محروم کجا شود کسی از کرمت

(کهن‌دل، ۱۳۹۰: ۴)

امیدواری زائر به بارگاه امام^(ع) در این اشعار به زیبایی تصویر شده است. زائر به کرم و دهش امام^(ع) امید دارد و کبوتران حرم را واسطه درخواست خویش می‌کند. چاووشی‌خوان توجه امام^(ع) به زائر را در ذهن مخاطب به زیبایی به تصویر کشیده است، برای مثال کبوتران حرم که نوک بر زمین می‌زنند و دانه می‌چینند، گویی رنج و درد زائران را می‌چینند و این درد و رنج‌ها را به دستور امام^(ع) با جان و دل می‌خرند. زائر شادان و نازان از این زیارت است و چاووشی‌سرای و چاووشی‌خوان از زبان حال زائر - که خود را گنهکار می‌داند و با امید به بارگاه کرم رضوی آمده است - به زیبایی این گونه می‌سراید:

«سر فرازیم به طوف شه کونین رضا به گدایی به در خانه شاه آمده‌ایم
لنگر حلم تو ای کشتی توفیق کجاست که در این بحر کرم غرق گناه آمده‌ایم ...»

(اکرامی‌فر، ۱۳۸۸: ۱۳)

مراسم چاووشی خوانی هنگام بازگشت زائر نیز تکرار می‌شود؛ اما لحن و آهنگ اشعار چاووشی در بازگشت تغییر می‌کند، چنان‌که لحنی امیدوارتر و آهنگی شادمان‌تر دارد؛ گویی زائر مشتاق به آمال و آرزوهایش رسیده، بر آستان ملکوتی مرادش رخ ساییده، غربت و اندوه جدایی‌اش تسلی یافته، آرزوهایش برآورده شده و حاجاتش را گرفته، به شفاعت و شفا امیدوار گشته، گناهانش بخشیده شده، دیگران را هم در یاد داشته، نایب‌الزیاره آنان بوده و سرانجام عاشق معشوق را دیده و به وصالش رسیده است و با قلبی سرشار از شادی و غرور به زادگاهش بازگشته است:

هر طواف از مرقد شاه رضا کردیم ما ای رفیقان وطن یاد از شما کردیم ما

(اکبری، ۱۳۹۲: ۱۴۰)

۳-۱-۳. نصب علم، بستن شال و روسری

نصب علم بر سردر منزل زائر یکی از آیین‌های نمادین است. مردم با دیدن علم پرس‌وجو می‌کنند و از تاریخ عزیمت زائر یا زائران مطلع می‌شوند.

معمولاً علم‌ها سبزرنگ و سه‌گوش بودند و پایه‌های آنها از جنس نی بود و حدود هفتاد و دو سانتی‌متر طول داشت. این علم‌ها بر سردر خانه زائر و خویشان نزدیک نصب می‌شد که پس از بازگشت زائر، هم آن‌قدر بر سردر منازل می‌ماندند تا می‌پوسیدند (بابلی، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

بستن شال و روسری نیز نشانه دیگری بود که مردم با دیدن آن به فرد زائر تبریک می‌گفتند، از او می‌خواستند تا برایشان دعا کند یا حاجتی را بطلبد. معمولاً مردان شال‌هایی به رنگ سبز یا زرد (ماکویی، ۱۳۸۹: ۲۳)، سیاه (شاهرخی، ۱۳۸۷: ۱۹۰) یا هفت‌رنگ (عابدینی، ۱۳۸۸: ۳۱) به گردن می‌بستند و تا زمان بازگشت آن را باز نمی‌کردند. این شال‌ها در طول سفر و هنگام حضور در حرم بر گردن زائر آویزان بود و متبرک می‌شد و بیشتر زائران چون متاعی گران‌بها آن را نگه می‌داشتند و یا به کسی که بسیار طالبش بود، می‌دادند. زنان نیز از روی چادر، یک روسری سفید به سر می‌کردند (ماکویی، ۱۳۸۹: ۲۴) و یا روی چادر مشکی رو بند سفید می‌انداختند (همانجا).

جلوه‌های سیمای امام رضا^(ع) در برخی آیین‌های نمادین و ادب عامه _____ خلیل بیگ‌زاده و همکار

۳-۱-۴. گنبدنمای رضوی و مژدگانی آن

گنبدنما محلی از مسیر راه است که زائر می‌تواند گنبد مزار امام یا امامزاده را برای نخستین بار از آن جا ببیند. هنگامی که زائران به جایی می‌رسند که گنبد مزار از آن جا نمایان می‌شود، رانندگان یا شاگرد رانندگان هدایایی از زائران می‌گیرند (دهخدا، ذیل «گنبدنما») که مژدگانی گنبدنما خوانده می‌شود. زائران با دیدن گنبد حرم امام رضا^(ع) علاوه بر فرستادن صلوات، اشعاری را در قالب دوبیتی می‌خوانند که «در خراسان به آن فراقی و چارمصرعی نیز می‌گویند» (اکرامی‌فر، ۱۳۸۸: ۲). زائر با دیدن گنبد رضوی به وجد می‌آید و چاووشی‌سرای این جاذبه ذوقی و روحیه شاد و مشتاق را از زبان زائر به تصویر می‌کشد و همچون بلبل سرودگوی قوالی می‌کند تا حضورش را به همگان اعلام کند:

به مشهد می‌روم قصد زیارت
زنم چهچه در آن طاق و عمارت
زنم چهچه خلایق جمع گردد
همه گویند به هم شیر تو رحمت
(همانجا)

گنبدنمای حرم رضوی در نگاه زائر حرم چنان آلاله‌ای است که از سر کوه بلند رویداده است؛ گنبدی که در چشمان زائر تجلی کرده و زائر حرم از صاحبش درخواست می‌کند تا بار دیگر خواسته‌اش را برآورده سازد:

«سر کوه بلند آلاله سر زد
امام هشتمی دس ور کمر زد
امام هشتمی فرزند حیدر
مرادم را بده یک بار دیگر»
(همانجا)

۳-۱-۵. آیین‌های جاسبزی

مدتی که زائر در بارگاه ملکوتی امام هشتم مشغول زیارت است، خانواده وی آیین‌های نمادینی برای نکوداشت زائر انجام می‌دهند که به آیین‌های جاسبزی موسوم است (ماکویی، ۱۳۸۹: ۲۸). این آیین‌های نمادین که برای آمادگی استقبال از زائر است، شامل پختن آش پشت‌پا، آش پیش‌پا، آش پس‌سر، آش سفر، یولا آشی و آش برگ است که در بیشتر مناطق ایران، این نوع آش شامل آش کشک یا آش رشته است؛ اما در مناطقی

از کشور، با توجه به ویژگی‌های زیستی و جغرافیایی، آتش دوغ یا ترش رواج دارد (همانجا).

۳-۱-۶. برخی آیین‌های حرم

آیین‌های نمادین باشکوهی در موقعیت‌ها و زمان‌های خاصی در آستان مقدس امام رضا^(ع) انجام می‌گیرد و زائران آرزو دارند در این آیین‌ها شرکت کنند. این آیین‌ها بدین شرح‌اند:

۳-۱-۶-۱. آیین غبارروبی: مراسمی باشکوه در حرم است که در اعیاد مذهبی برگزار می‌شود.

۳-۱-۶-۲. مراسم صفا: همه‌روزه در دو نوبت، نیم ساعت قبل از طلوع آفتاب و بعد از نماز مغرب و عشاء، خدام در «دارالحفاظ» یا «دارالسلام» این آیین را برگزار می‌کنند که در آن علاوه بر تلاوت قرآن کریم، مدیحه‌سرایی برای چهارده معصوم نیز انجام می‌شود (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۴۹؛ همایون، ۱۳۹۲: ۴۰).

۳-۱-۶-۳. خطبه شب شهادت: در شب‌های عاشورا و شهادت امام رضا^(ع) برگزار می‌شود.

۳-۱-۶-۴. مراسم شام غریبان: در شب‌های شهادت حضرت امام حسین^(ع) و حضرت امام رضا^(ع) در حرم مطهر برگزار می‌شود.

۳-۱-۶-۵. آیین گل‌آرایی: بر اساس یک سنت دیرینه هر روز صبح گل‌های روی ضریح توسط خدام تعویض می‌شود.

۳-۱-۶-۶. آیین نقاره‌نوازی: غیر از محرم و صفر و ایام سوگواری، دو بار در شبانه‌روز نقاره زده می‌شود (الهامی، ۱۳۷۰: ۴۵؛ کهن‌دل، ۱۳۹۰: ۵).

۳-۱-۷. آیین سوغاتی

سوغاتی یکی از آیین‌های نمادین هنگام بازگشت زائر از زیارت است که «تبرک‌جستن» مهم‌ترین ویژگی این سوغاتی است (شاهرخی، ۱۳۸۷: ۱۹۰). سوغاتی به دو شیوه داده می‌شود: بستگان زائر سوغاتی را هنگام دیدار مردم با زائر به آن‌ها می‌دادند و یا در دستمال (همایون، ۱۳۹۲: ۵۲)، نعلبکی (عابدینی، ۱۳۸۸: ۳۶)، سینی‌های کوچک

جلوه‌های سیمای امام رضا^(ع) در برخی آیین‌های نمادین و ادب عامه _____ خلیل بیگ‌زاده و همکار

(شاهرخی، ۱۳۸۷: ۱۸۹) به منزل دوستان و خویشاوندان می‌فرستادند. برخی هم معتقد بودند که چمدان زائر نباید در سه روز اول باز شود (عابدینی، ۱۳۸۸: ۴۰). بیشترین و رایج‌ترین سوغاتی‌های مشهد مهر و تسبیح است؛ اما بعد از آن، نقل، شیرینی، خرما، کشمش، نبات، انگشتر عقیق (الهامی، ۱۳۷۰: ۴۵)، سوهان، عناب، زیره (ماکویی، ۱۳۸۹: ۲۹)، زرشک، زعفران (همایون، ۱۳۹۲: ۵۶) و لباس (ماکویی، ۱۳۸۹: ۲۹) است.

آوردن سیب قرمز و معطر برای سوغاتی یکی از سنت‌های پسندیده است که بیشتر در شرق کشور رایج است. زائران این منطقه «سیب قرمز» را نماد بارگاه قدسی امام رضا^(ع) می‌دانند. آن‌ها «یکی از سیب‌ها را روی چراغ فانوس یا چراغ گردسوز می‌گذاشتند و خانه را معطر می‌کردند» (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۵۰). در روستاهای نیشابور این سیب را وسط سینی می‌گذاشتند و مهمان‌ها آن را برمی‌داشتند، بو می‌کردند و سپس سر جای خود می‌گذاشتند (همانجا).

۸-۱-۳. آجیل مشکل‌گشا و نذورات

نذورات کار خیری است که انسان برای رضای خدا آن را به جا می‌آورد و یا کاری را برای رضای خدا ترک می‌کند (امام خمینی و دیگران، ۱۳۸۱: ۶۰۹/۲-۶۱۲). یکی از نمودهای عینی نذر در فرهنگ عامه، نذر امام رضا^(ع) است. برای مثال کسی نذر می‌کند، اگر حاجتش برآورده شود، قرآن را ختم دهد و ثواب آن را به ساحت مقدس امام رضا^(ع) هدیه کند، یا نذر کند روزه بگیرد، یا چهل روز زیارت عاشورا بخواند که این اعمال آیینی نمادین دارد. مردم برای تحقق آرزوها و برآوردن حاجاتشان نذر می‌کنند و به زائر امام رضا^(ع) می‌سپزند تا خواسته‌هایشان را به امام^(ع) بسپرد و برایشان دخیل بنهد. همچنین اگر خود زائر آرزویی یا هدف و خواسته‌ای داشته باشد، با انجام اعمالی مانند دخیل‌بستن، دانه‌افشانی برای کبوتران و ... درخواست خود را در حریم حرم اعلام می‌کند.

نذر آجیل مشکل‌گشا از جمله آیین‌های نمادینی است که برای برآمدن حاجت‌ها و دفع بلاها ماهی یک‌بار تا هفت مرتبه آجیل مشکل‌گشا را نذر امام رضا^(ع) می‌کنند. آجیل مشکل‌گشا شامل خرما، پسته، فندق، مغز بادام، نخودچی، کشمش و توت‌خشکه است

که باید میان هفت نفر تقسیم شود. البته در بعضی نقاط ایران از گردو، نقل، شکلات یا آب‌نبات هم استفاده می‌کنند و صاحب نذر پس از برآمدن حاجتش و خلاصی از محنت و مصیبت هر ماه یا هر هفته، «سه سکه» (شامل سکه‌های رایج در قدیم از قبیل ده‌شاهی، یک‌ریالی، دوریالی، پنج‌ریالی و امروزه بستگی به توانایی نذرکننده دارد) نخود برشته یا آجیل مشکل‌گشا می‌خرد و به خانه می‌برد، سفره یا دستمال تمیزی روی زمین پهن می‌کند و با چند نفر از اعضای خانواده دور سفره می‌نشیند و پوسته و آشغال آجیل‌ها را می‌گیرد. صاحب نذر در ضمن پاک‌کردن نخود یا آجیل، قصه «پیرمرد خارکن» را- که بسیار معروف است و اختصاص به نخود یا آجیل مشکل‌گشا دارد- برای اشخاص و اطفالی که دور سفره نشسته‌اند، نقل می‌کند. وقتی پاک‌کردن آجیل‌ها و گفتن قصه به پایان رسید، صاحب نذر پوسته‌های نخود و آشغال آجیل را به آب روان می‌اندازد و آجیل را میان مردم تقسیم می‌کند. مراسم این نذر تقریباً در تمام شهرهای ایران یکسان و مشابه است و تنها اختلاف آن در شکل روایتش است. نمونه بیت‌هایی از قصه «پیرمرد خارکن» که برای شگون نذر می‌خوانند و برای خود و دیگران طلب مراد می‌کنند، بدین شرح است:

«بار الها حرمت مشکل‌گشا حَقِّ ذَاتِ پادشاهِ کربلا
مطلبِ جمله برآور ای کریم ای که نامت هست رحمن الرحیم
هیچ امیدی را مگردان ناامید بار الها حق قرآن مجید»

(بی‌نام، ۱۳۹۳: ۲۳)

به اعتقاد برخی مردم خوردن آجیل مشکل‌گشا، گره از کارشان می‌گشاید، آرزوهایشان را برآورده می‌سازد و مشکلاتشان را حل می‌کند، یا چشم‌زخم و چشم‌بد را دور می‌دارد و بخت دختران را می‌گشاید (نامعلوم، ۱۳۹۳: ۲۳).

۹-۱-۳. دخیل بستن بر پنجره فولاد

بستن چیزی به ضریح یکی از امامان^(ع) هنگام طلب حاجت را دخیل بستن گویند. مراد از دخیل همان توسل به امامان^(ع) برای شفاعت است تا خداوند حاجت خواهنده را برآورده سازد. وقتی صحن عتیق (انقلاب) در دوره صفویه با طرح شیخ بهایی ساخته

جلوه‌های سیمای امام رضا^(ع) در برخی آیین‌های نمادین و ادب عامه _____ خلیل بیگ‌زاده و همکار

شد، ملامحسن فیض کاشانی که حکیم، فیلسوف، عارف و شاعر آن دوره بود، پیشنهاد داد برای کسانی که به هر دلیل نمی‌توانند وارد حرم شوند، کنار ضریح فضایی طراحی شود که بتوانند در نزدیک‌ترین فاصله از ضریح، بایستند و ضریح امام رضا^(ع) را ببینند و زیارت‌نامه بخوانند؛ بنابراین در محلی که مشرف به ضریح مطهر بود، پنجره‌ای فولادی نصب شد که از آن پس به «پنجره فولاد» معروف شد (جعفریان، ۱۳۷۰: ۱۲۳)؛ پنجره‌ای که نماد کرامت و بازکردن گره‌های بسته زندگی است و عامه مردم به آن دخیل می‌بندند.

شکل‌های دخیل‌بستن متفاوت است که به آداب و رسوم هر قوم و عواطف افراد بستگی دارد. برخی برای دخیل‌بستن دست بر سر می‌نهند و عده‌ای حالت قنوت می‌گیرند و پشت پنجره فولاد منتظر می‌نشینند. دخیل‌بستن در ادبیات عامه دو حالت دارد: الف) توسل‌جستن به معنای تمسک که خداوند جهان هستی را بر اساس نظام سبب و مسبب قرار داده است و فیض خود را تنها از طریق اسباب اعطا می‌کند «أبی الله ان یجری الاشیاء الا بالاسباب» (مجلسی، ۱۹۸۳: ۹۰/۲). براین اساس، توسل لازمه زندگی انسان در جهان هستی است؛ جهانی که بر آن قانون سبب و مسبب حکم فرماست. خداوند اموری را به‌عنوان اسباب و وسایل برای تقرب به درگاه خویش و برآمدن حاجات قرار داده است و ما را به توسل به آن امور امر کرده است: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله» (ای مؤمنان پروای الهی داشته باشید و به سوی او وسیله تحصیل کنید) (مائده/۳۵). استمداد به روح پیامبران و اولیای الهی و درخواست دعا از آنان وسیله تقرب به خداوند است و در سیره معصومین بر آن تأکید شده است. در این راستا، علاوه بر اعمال صالح و نیک مثل انفاق به مستمندان، خدمت به خلق خدا، برآوردن نیازهای هم‌نوعان و عباداتی چون نماز و روزه- که مورد رضایت خداوند و به منظور تقرب به درگاه الهی تشریح شده است- می‌توان به انسان‌های معصوم و وارسته‌ای که مرضی خداوند و از مقربان درگاه الهی‌اند (همچون انبیای الهی و به‌ویژه پیامبر خاتم و ائمه معصومین^(ع)) توسل جست. ب) شفاعت‌جستن، رسیدن فیض مغفرت و آمرزش الهی از طریق مجاری و اسباب آن به بندگان است که شخصی با وساطت شخصی دیگر به خواسته و حاجتش برسد. شفاعت در محاوره عرفی بیشتر به معنای وساطت و درخواست شخص آبرومندی از بزرگی برای عفو مجرمی یا ترفیع

درجه و پاداش خدمتگزاری به کار می‌رود. شخصی که متوسل به شفیع می‌شود، نیروی خود را به تنهایی کافی نمی‌بیند و نیروی خود را با نیروی شفیع ضمیمه می‌کند تا آن را مضاعف کند و به آنچه می‌خواهد، نائل شود. (شوشتری، بی‌تا: ذیل «شفاعت»).

۱۰-۱-۳. سقاخانه اسماعیل طلایی

سقاخانه ظرف سنگی بزرگی در بنایی با معماری سنتی ایرانی است که اهالی و کسبه برای سقایی رهگذران تشنه در معابر عمومی به قصد ثواب درست می‌کردند، آب آشامیدنی را در آن می‌ریختند و پیاله‌هایی را با زنجیر به آن‌ها می‌بستند. برخی سقاخانه‌ها دائمی بودند و برخی در زمان‌های خاصی به‌ویژه ایام عزاداری محرم برپا می‌شدند. در این ایام شمع‌هایی را برای تشخیص محل سقاخانه در شب، اطراف آن روشن می‌کردند. کسانی که نذر و نیازی داشتند هر شب جمعه، شمع‌هایی را در سقاخانه‌ها روشن می‌کردند. سقاخانه اسماعیل طلایی حرم رضوی از معروف‌ترین سقاخانه‌هاست. این سقاخانه با سابقه‌ای طولانی در مرکز صحن عتیق روبه‌روی پنجره فولاد است و از کهن‌ترین سقاخانه‌هاست. سنگ بنای این سقاخانه را نادرشاه افشار بنا نهاده و یکی از فرماندهان فتحعلی‌شاه، بهای روکش طلای آن را پرداخته است (کهن‌دل، ۱۳۹۴: ۲۱). بسیاری از مردم مقداری از آب سقاخانه حرم امام رضا^(ع) را با دلی صاف به نیت شفای بیمارشان می‌بردند یا برای روشنی قلب و روحشان، جرعه‌ای از این آب را می‌نوشیدند و نذر می‌کردند اطراف سقاخانه را روشن و لیوان‌های آب را مهیا کنند. مردم به یاد لب تشنه حسین^(ع) و مشک پر خون سقای کربلا و گلوی خشک شهید شش‌ماهه عاشورا، آب را با بغض و اشک می‌نوشند؛ آبی که مشام جان را روشنی می‌بخشد و گوهر وجود انسان را گلشن می‌کند.

۲-۳. برخی انواع ادب آیینی رضوی عامه

ادبیات عامه مجموعه‌ای از سروده‌ها، ترانه‌ها، قصه‌های عامه، نمایش‌نامه‌ها و ضرب‌المثل‌های شفاهی است که بخش عظیمی از فرهنگ معنوی هر ملت در آن نهفته است. ادب آیینی حضوری ماندگار در زندگی دارد و نوعی مفاهیم را در میان نسل‌ها

جلوه‌های سیمای امام رضا^(ع) در برخی آیین‌های نمادین و ادب عامه _____ خلیل بیگ‌زاده و همکار

ایجاد می‌کند، چنان‌که سیمای خورشید خراسان در انواع ادب آیینی عامه مانند لالایی، کارآوا، مولودی خوانی، نوحه خوانی و ماشین‌نگاره بازنمایی شده است:

۱-۲-۳. لالایی

لالایی نخستین پیمان آهنگین و شاعرانه‌ای است که میان مادر و کودک بسته می‌شود. رشته‌ای نامرئی که از لب‌های مادر تا گوش‌های کودک می‌پوید و تأثیر جادویی آن خواب ژرف و آرامی است که کودک را فرامی‌گیرد؛ رشته‌ای که حامل آرمان‌ها و آرزوهای صادقانه و بی‌وسواس مادر است و تکان‌های دمام‌گاوهاره، رنگی از توازن و تکرار بر آن می‌زند. این آرزوها چنان بی‌تشویش و ساده بیان می‌شوند که ذهن شنونده در اینکه آرزو هستند یا واقعیت، سرگردان و متحیر می‌ماند. هیچ مادری لالایی را از روی نوشته نمی‌خواند و نمی‌داند آن را از کجا و چگونه فراگرفته است. شاید لالایی طیف‌های رنگارنگی از آرزوها، گلایه‌ها و نیایش‌های معصومانۀ مادرانه است که از نسل‌های پیشین به ما رسیده و هنوز تازگی خود را حفظ کرده است، به‌گونه‌ای که تاکنون هیچ ترانه دیگری نتوانسته جای آن را بگیرد. درحقیقت لالایی این دیرپاترین ترانه فولکلوریک، نخستین ادبیات زنانه در پای گاوهاره‌هاست که قدمتش دیگر تاریخی نیست، بلکه باستانی است (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۷۶: ۱۲۰-۱۲۳).

مادران باوجود خستگی از کارهای روزانه، شب‌هنگام بدون نوازش کودکان و واگویه کردن حکایت‌های تلخ و شیرین و نواهای مادرانه و لالایی برای آن‌ها، سر بر بالین آرامش و خواب نمی‌گذاشتند. این لالایی‌ها و نواهای مادرانه سرشار از عشق به معصومین و امامان است؛ چنان‌که مادران عشق به خداوند و ارادت به معصومین را همراه با نوازش مادرانه با این لالایی‌ها و نواها در وجود فرزندانشان نهادینه کرده‌اند که بر اثر این تربیت، مردان و زنانی دین‌باور و ایمان‌مدار ساخته می‌شدند و ساختار شخصیتی آن‌ها شکل می‌گرفته است.

بازنمایی سیمای رضوی موضوعی مهم در لالایی‌های نوازشی و آموزشی مادران است که در قالب آرزوهای آرمانی مادرانه متجلی شده است و ارادت مادر ایرانی را به امام رضا^(ع) در این لالایی‌ها آشکارا نشان می‌دهد:

«لالا، لالا، به مشهد آی به پای تخت حضرت آی
 اگر حضرت بفرماید تو جاروکش مرقد آی
 لالا، لالا، به صحرا شی به پای تخت زهرا شی
 اگر زهرا بفرماید غلام شه رضا بشی»

(ماکویی، ۱۳۸۹: ۳۰؛ ر.ک: اکرامی فر، ۱۳۸۸: ۹، ۱۱)

آرمان مادرانه در این لالایی‌ها آن است که کودک خردسال به بارگاه رضوی شرف‌یاب و با اذن امام^(ع)، مفتخر به مقام جاروکشی (خادمی) مرقد مطهرش شود. آرمان مادرانه دیگر این است که کودک برای زیارت مقام و مرقد حضرت زهرا^(س) به صحرا (مکانی نامعلوم به دلیل نامعلومی محل مرقد مطهر دختر رسول خدا^(ص)) برود و با اذن حضرت زهرا^(س) به مقام غلامی فرزندش، امام رضا^(ع)، مفتخر شود تا از حمایت معنوی امام^(ع) که واسطه فیض است، برخوردار گردد و پیوسته نعمت سلامتی جسم و جان را از بارگاه عزت و کرمش دریافت کند:

«گلم در خواب، گلم بیدار گلم هرگز نشه بیمار
 اگر خواهد نشه بیمار امام رضا نگاهش دار»

(همان، ۹)

مادر تصویر عاطفی سیمای امام رضا^(ع) را چنان زیبا در ذهن فرزندش تجسم می‌بخشد که تمام ذهن او را چنان دوستی هم‌بازی پوشش داده و پشتیبان، همراه و یار همدل اوست: «لالا لالا رضا آمد // رضا آمد به خواب تو / مرز اشک و گلاب تو (مریز اشک و گلاب تر) // مو بینوج ر بجنانم (من گهواره را تکان بدهم) // دیل بچه ر نرنجانم (و دل کودکم را نرنجانم)» (همان، ۱۰).

مادری با چشم‌انتظاری برای همسرش - که سفری طولانی را آغاز کرده است - حس غریبی دارد و این حس غریب را با وجود غربت امام رضا^(ع) ناچیز دانسته و به خود دل‌داری می‌دهد که سفر طولانی همسرش چون به قصد زیارت امام رضا^(ع) بوده، بر او آسان است و نیز سوغاتی سفر همسرش تضمین سلامتی فرزندش از جانب امام^(ع) خواهد بود:

«لالا لالا گول (گل) سبیم بابات رفته مو غریبم

جلوه‌های سیمای امام رضا^(ع) در برخی آیین‌های نمادین و ادب عامه _____ خلیل بیگ‌زاده و همکار

غریب ما رضا باشه	نگهدارت خدا باشه
مو بینوج ر بجنانم	دیل بچه ر نرنجانم
لالا لالا بابا رفته	به مشهد رضا رفته
زیارت رفته برگرده	دیگ صبرم به سر رفته
مو بینوج ر بجنانم	دیل بچه ر نرنجانم
لالا لالا خدا یارت	امام رضا نگهدارت
نگهدار گولم (گلم) باشه	کنار بلبلم باشه»

(همان، ۱۰، ۱۱)

مادر به فرزندش امیدواری و آگاهی می‌دهد که بابایش به زیارتی رفته که حاصل آن همه شادکامی و به‌کامی است؛ زیرا نقاره نماد شادی و اعلان حضور است و پنجره فولاد نیز نماد دخیل‌بستن و برآورده شدن آرزوهاست: «لالا لالا لالا لالا» (همان، ۱۱).

آرمان مادر آن است که فرزندش مایه افتخار او، همدم و گل خوشبوی زندگی و نیز حامی او در فراز و فرود زندگی باشد. این شرایط فراهم نمی‌گردد، مگر با عنایت امام رضا^(ع) و بدین منظور به زیارت شاه خراسان می‌رود تا حمایت و عنایت حضرت را دریافت کند: «لالا لالا لالایی تو/ گل نعنا، دوایی تو// تو بالشت سرم باشی همیشه/ بمونی همدم باشی همیشه// زیارت می‌رویم شاه رضا را/ گول و تاج سرم باشی همیشه//... لالا لالا لولو چاهی/ ازین بچه چی می‌خواهی؟// که این بچه پدر داره/ دو خنجر ور کمر داره// یکی از مشهد شاه رضایه// یکی از سرزمین نینوایه» (همان، ۱۰).

۲-۲-۳. کارآوا

کارآوا اشعاری است که زنان و مردان در هنگام فعالیت و کار روزانه ترنم می‌کنند (داد، ۱۳۷۵: ۲۳) تا از نیروی معنوی و اراده آسمانی به مدد معصومین یاری بجویند و از دیگر سوی خستگی ناشی از کار و تلاش روزانه را به فراموشی بسپارند و یا کمتر کنند: «چرخه‌ریسی می‌کنم با صد نوا// تا شوم زائر قبر رضا// ... // یا رب برسان مرا هنگام بلا// دستم به ضریح و مرقد شاه رضا» (شکورزاده، ۱۳۴۶: ۵۶). کارآواخوان ریسنده‌ای

است که موضوع آواهایش آرزوی زیارت مرقد امام رضا^(ع) است و با تنیدن هر نخی اشتیاق و امید خود را بر دل می‌تند و روزگارش را در آرزوی زیارت مرقد و ضریح رضوی سپری می‌کند.

کارآواخوان دیگر، فرش بافی است که کارش پایان یافته و راضی از بافته خویش به زیارت حضرت رضا^(ع) می‌رود و علاوه بر زیارت شخصی، نایب‌الزیاره دیگران نیز هست:

«شتر را بار کردم فرش قالی زیارت می‌کنم جای تو خالی
زیارت می‌کنم آقا رضا را ببوسم حلقه و قفل طلا را»

(اکرامی‌فر، ۱۳۸۸: ۱۲)

کسانی که به کار و فعالیت روزانه سرگرم‌اند، خواهان حمایت معنوی و طلب یاری از امام رضا^(ع) هستند که نمونه‌ای از آن در کارآوای زیر آمده است: «یا امام رضا کمک کن // یا امام رضا خسته‌ام // چغک (گنجشک) پر بسته‌ام // شاه اولیا کمک کن // گنبد طلا کمک کن // ... // یار در خنه (خانه) کمک کن // نقاره‌خنه کمک کن» (همانجا)؛ بنابراین، مردم خود را در کار و فعالیت روزانه و یا هر فراز و فرودی در زندگی فردی و جمعی نیازمند دستگیری و حمایت معنوی معصومین و از جمله امام رضا^(ع) می‌دانند که علاوه بر دلگرمی و قوت قلب، نوعی آموزش غیررسمی برای فرزندان آنها و دیگر کسانی است که رویکردی نیازمندانه و عاشقانه به یاری معصومین دارند.

۳-۲-۳. مولودی خوانی

یکی از موارد اجرای مولودی خوانی، گرامیداشت سالروز ولادت امام رضا^(ع) است که ارادت و علاقه اهل دل به آن حضرت را نشان می‌دهد. مولودی‌خوان به مناسبت میلاد امام رضا^(ع) شادمانی را به مخاطب منتقل می‌کند: «امشب پیغمبر از جنان خوشحال و خندان آمد // زیرا که مولود شهنشه از «خراسان» آمد // جواب: امام رضا خوش آمد // یار غریبان آمد» (همایون، ۱۳۹۲: ۵۰). پیامبر اسلام^(ص) در جنان (بهشت) خوشحال و خندان است؛ زیرا شاه خراسان، امام رضا^(ع) به دنیا آمد و یار غریبان و نیازمندان شد.

جلوه‌های سیمای امام رضا^(ع) در برخی آیین‌های نمادین و ادب عامه _____ خلیل بیگ‌زاده و همکار

۳-۲-۴. نوحه خوانی

سوز فراق و رنج هجران عاشقان و شیفتگان امام رضا^(ع) در سالروز شهادت آن حضرت در نوحه خوانی نشان داده می‌شود: «فاطمه خیرالنساء، دختر خیرالولاء // ... // آید و قبر رضا را می‌کند چون جان سیر/ بعد از آن سازد سیه‌پوش ضریح را (همانجا).

۳-۲-۵. ماشین‌نگاره‌ها

این بخش از ادبیات عامه نوعی ادبیات جاده‌ای است که در میان رانندگان جایگاه خاصی دارد. یکی از موضوعات متداول در ماشین‌نگاره‌ها، نگاره‌های دینی است که به دعا، توسل، توکل، آرمان، آرزو و باور قابل دسته‌بندی است. بررسی تارنماهایی که ماشین‌نگاره‌ها را ثبت کرده‌اند، نشان می‌دهد که بیشتر نگاره‌های دینی دربردارنده موضوع توسل هستند و توسل به امام رضا^(ع) پس از نگاره‌های مربوط به دعای فرج، واقعه کربلا و توسل به حضرت علی^(ع)، در مرتبه نخست قرار می‌گیرد که برخی از آن‌ها همچون «یا امام غریب»، «یا ضامن آهو»، «یا ضامن آهو امان از این هیاهو»، «یا سلطان خراسان»، «یا شاه طوس»، «زائرتم مرا دریاب» و «کبوتر حرم»، به اوصاف و کرامات امام^(ع) اشاره می‌کنند و نیز برخی از این نگاره‌ها برنام امام رضا^(ع) هستند که «یا امام رضا»، «یا امام هشتم» و «بیمه امام رضا» از جمله آن‌هاست.

۳-۳. بازنمایی دو نماد رضوی در ادب عامه

۳-۲-۱. ضامن آهو

یکی از القاب نمادین و مشهور امام رضا^(ع) این است که آهوئی را ضمانت کرده است؛ اما شبیه به این نقل عامه درباره امام رضا^(ع)، در معجزات منسوب به رسول خدا^(ص) (طبری، ۱۳۶۸ق: ۲۵)، کرامات امام سجاد^(ع) (راوندی، ۱۴۰۹ق: ۲۶۱) و امام صادق^(ع) (صفار، ۱۴۰۴ق: ۳۴۹) موجود است و نیز دیوار حرم امام رضا^(ع) ضامن آهو از چنگال یوز پلنگ بوده است (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق: ۳۲۱). ضمانت امام رضا^(ع) در ادب عامه (قصه‌ها و سروده‌ها) از آهو در مفهوم ضامن، شافی و گره‌گشای مشکلات انسانی نمود یافته است (دامغانی، ۱۳۸۵: ۳۸۱).

۲-۳-۲. کبوتر حرم

کبوتر حرم نمادی مهم و گویا در تبیین مهربانی امام رضا^(ع) است و بنیاد و آبشخور آن را روایتی از امام سجاد دانسته‌اند (ر.ک: میرخلف‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۸).

نتیجه‌گیری

برخی از آیین‌های نمادین و انواعی از ادب آیینی عامه با بازنمایی سیمای امام رضا^(ع)، رنگ و بویی تازه و آیینی یافته‌اند که علاوه بر شأن والای امام رضا^(ع)، اوصاف حضرت مانند ضامن غریبان، معصوم شفادهنده، التیام‌دهنده آلام، قدرت رهبری با تمام ویژگی‌های معنوی و اخلاقی، یار و مونس ایتم را تبیین کرده است.

برخی آیین‌های نمادین رضوی از جمله چاووشی خوانی، نصب علم، بستن شال به گردن در مردان و بستن شال و روسری سفید از روی چادر برای بانوان، دعوت از خویشان و آشنایان، آیین‌های ویژه بارگاه رضوی، آیین‌های جاسبزی، آیین سوغاتی‌های زیارتی، آجیل مشکل‌گشا و نذورات، دخیل‌بستن به پنجره فولاد، آب‌نوشی از سقاخانه اسماعیل طلایی، دیدن گنبدنمای رضوی و مزدگانی آن در آیین‌های زیارت امام رضا^(ع) انجام شده و در فرهنگ عامه معاصر نیز تجلی یافته است.

اشعار چاووشی در ادب عامه نشان می‌دهد که مهم‌ترین دلیل برای عزم سفر به مشهد مقدس «قصد قربت و کسب فضایل معنوی» است و شکرگزاری، توسل و تبرک‌جستن دلایل بعدی زیارت را تشکیل می‌دهد و فراوانی موضوعی و مفهومی سروده‌های عامه معاصر «غم غربت» است. عناوین و القابی نظیر «امام رضا»، «رضا»، «امام غریب»، «ضامن آهو»، «شاه رضا»، «سلطان خراسان»، «شاه طوس» و «شهنشه» به ترتیب بیشترین کاربرد را در ادب عامه معاصر داشته‌اند. همچنین لالایی آیینی یکی دیگر از انواع ادب عامه آیینی است که شوق و اشتیاق مادر و بزرگ‌ترها را برای خادمی فرزندشان در بارگاه حضرت رضوی نمایش می‌دهد.

بررسی انواع ادب عامه همچون لالایی، کارآوا، مولودی‌خوانی، نوحه‌خوانی و ماشین‌نگاره نشان می‌دهد که بازنمایی سیمای امام رضا^(ع) نقشی ارزنده در اعتلا و هویت‌بخشی به این نوع ادبی دارد و سبب خلق نگاره‌های زیبا و ارزشمندی شده است.

جلوه‌های سیمای امام رضا^(ع) در برخی آیین‌های نمادین و ادب عامه _____ خلیل بیگ‌زاده و همکار

این پژوهش دو نماد رضوی مهم و مشهور بازنمایی شده در ادب عامه را بررسی کرده است؛ کبوتر حرم در این بازنمایی نماد مهربانی امام رضا^(ع) و ضامن آهو نماد ضمانت و گره‌گشای مشکلات انسانی است.

منابع

- قرآن کریم.

- آراین‌پور، یحیی (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما*. ج ۲. چ ۴. تهران: بینا.
- احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۷۶). *ترانه و ترانه‌سرایی در ایران*. چ ۱. تهران: سروش.
- احمدی، مهدی (۱۳۸۳). «هویت ایرانی در گستره تاریخ». *نامه پژوهش*. ش ۷. صص ۳۰-۶۳.
- اکبری، امیر (۱۳۹۲). «نقش حضور امام رضا^(ع) در گسترش تحولات فرهنگی و آزاداندیشی مرو». *فصلنامه فرهنگ رضوی*. ش ۱. صص ۱۳۵-۱۵۶.
- اکرامی‌فر، محمود (۱۳۸۸). «امام رضا^(ع) در ادبیات شفاهی خراسان». *جام جم آنلاین*. www.jamejamonline.ir. (acc: 11/3/1388).
- الهامی، داود (۱۳۷۰). «امام رضا و ایران». *درس‌هایی از مکتب اسلام*. س ۳۱. ش ۵. صص ۱۴۰-۱۶۰.
- امام خمینی و دیگران (۱۳۸۱). *رساله توضیح المسائل مراجع*. به کوشش احسان اصولی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.
- بابلی، کورش (۱۳۸۸). «نقش امام رضا علیه‌السلام در فرهنگ و تمدن تشیع و ایران». *پیام*. ش ۹۸. صص ۱۳۲-۱۵۱.
- بختیاری، محمدرضا (۱۳۸۸). *فولکلور و ادبیات عامیانه*. چ ۱. ارومیه: شریعتی.
- برنجیان، سکینه (۱۳۸۵). *ادبیات آذری و فارسی در آذربایجان ایران در سده بیستم*. چ ۱. ترجمه اسماعیل فقیه. تهران: نگاه.
- برنز، پیتر. م. (۱۳۸۵). *درآمدی بر مردم‌شناسی گردشگری*. ترجمه هاجر هوشمند. چ دوم. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- بی‌نام (۱۳۹۳). «نحوه نذر آجیل مشکل‌گشا». *نیاز روز*. [http:// boro.niazerooz.com](http://boro.niazerooz.com) (acc: 3/2/1393).

- جعفریان، رسول (۱۳۷۰). *دین و سیاست در دوره صفوی*. قم: انصاریان.
 - داد، سیما (۱۳۷۵). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. چ ۲. تهران: مروارید.
 - دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۷). *لغت نامه*. تهران: سخن.
 - راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹ق). *الخرائج و الجرائح*. ج ۱. قم: مؤسسه امام مهدی (ع).
 - ساروخانی، باقر (۱۳۶۷). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: دانشگاه تهران. چ ۳.
 - شکورزاده، ابراهیم (۱۳۴۶). *عقاید و رسوم عامه مردم خراسان*. چ ۱. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
 - شاهرخ، سیدعلاء‌الدین (۱۳۸۷). «جلوه‌هایی از تعامل فرهنگ ایرانی اسلامی». *فرهنگ*. ش ۶۷. صص ۱۸۱-۲۱۴.
 - شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۲). *از جامی تا روزگار ما*. چ ۱. تهران: نشر نی.
 - شوبکلایی، مسلم (۱۳۸۸). «غربت‌های امام رضا». *مربیان*. قم. ش ۳۴. صص ۲۲-۳۶.
 - شوشتری، محمدتقی (بی‌تا). *قاموس الرجال*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.
 - شیخ صدوق (۱۳۷۸ق). *عیون اخبارالرضا*. ج ۲. قم: مطبعة السلامیه.
 - صفار، محمدبن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائرالدرجات*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
 - طالقانی، محمود (۱۳۹۰). *روش تحقیق نظری*. چ ۲. تهران: علمی فرهنگی.
 - طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۶۸ق). *اعلام‌الوری*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 - غابدینی، احمد (۱۳۸۸). «انقلاب آیینی و رسانه‌های جمعی بعد از انقلاب اسلامی». *رسانه*. ش ۷۷. صص ۲۷-۶۰.
 - کهن‌دل، زهره (۱۳۹۰). «آیین‌های حرم رضوی». *تبیان*.
- www.tabyan.net (acc:24/10/1290).
- (۱۳۹۴). «ماجرای سقاخانه اسماعیل طلا حرم امام رضا^(ع) چیست؟». *جوان انقلابی*.
- <http://javanenghelabi.ir/news/1984> (acc: 21/11/1394).
- ماکویی، سویل (۱۳۸۹). «بازنمایی جایگاه حضرت امام رضا علیه‌السلام در فرهنگ مردم ایران». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۲۰-۲۱. صص ۹-۳۲.
 - مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳م). *بحارالانوار*. ج ۲. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

جلوه‌های سیمای امام رضا^(ع) در برخی آیین‌های نمادین و ادب عامه _____ خلیل بیگ‌زاده و همکار

- محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۹). *ادبیات عامیانه ایران*. به کوشش حسن ذوالفقاری. چ ۱. تهران: چشمه.

- میرخلف‌زاده، احمد و قاسم میرخلف‌زاده (۱۳۸۰). *داستان‌هایی از خدا*. ج ۱. قم: مهدی‌یار.
- ولوی، محمد (۱۳۸۸). *دین و سیاست در قرون نخستین اسلامی*. چ ۲. تهران: دانشگاه الزهرا.

- همایون، محمدهادی (۱۳۹۲). «کارکرد تمدن‌سازانه هجرت امام رضا^(ع) به ایران». *فصلنامه فرهنگ رضوی*. س ۱. ش ۱. صص ۳۳-۶۰.

